

## مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی در دیوان ابوالقاسم لاهوتی

پروانه نادرنژاد<sup>۱</sup>

علیرضا ملاتی توانی<sup>۲</sup>

### چکیده

ارزیابی اندیشه‌های اقوام و نخبگان ایرانی درباره هویت ملی‌شان امروز بیش از هر زمان دیگری ضرورت یافته است تا راه همگرایی و اتحاد ملی ایرانیان هموارتر شود. مسئله این مقاله تأمل درباره آراء و ایده‌های ابوالقاسم لاهوتی درباره هویت ملی ایرانی است. پژوهش حاضر، به‌منظور بررسی مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی در دیوان اشعار لاهوتی صورت گرفته است و نویسنده، با استفاده از روش تحلیل محتوا، به بررسی و ارزیابی یک‌سری متغیرهای از پیش تعیین شده در دیوان اشعار لاهوتی پرداخته است. بدین معنی که برای بررسی مؤلفه‌های چهارگانه هویت ملی ایرانی شامل ارزش‌های ملی و باستانی، ارزش‌های فرهنگی دوره پس از اسلام، ارزش‌های دینی، ارزش‌های مدرن و غربی، سنجه‌های مشخصی در نظر گرفته شده و نویسنده به شمارش و احتساب نمادهای مربوط به آن متغیرها در محتوای اثر نام‌برده پرداخته است. نتایج این پژوهش بیانگر این است که لاهوتی به‌عنوان شاعر و مبارزی وطن‌پرست، همواره به ارزش‌های ملی و فرهنگی هویت ایرانی وفادار بوده و تلاش برای نگارش آثاری به سبک شاهنامه همچون ایران‌نامه توسط ایشان و ترجمه شاهنامه فردوسی به زبان روسی توسط لاهوتی و همسرش تأییدی است بر تعهد شاعر نسبت به وطنش و حفظ و گسترش ارزش‌های ایرانی در جهان. به‌عبارت دیگر، لاهوتی، به‌رغم تحولات فکری و ایدئولوژیکی که در دوران تبعید و دوری از ایران، تجربه کرده، اما ایران‌گرایی و عشق به میهن و آرزوی دیدار وطن، جزء لاینفک اندیشه‌های شاعر بوده است. ضرورت و اهمیت موضوع، بیان سهمی است که نخبگان ملی‌گرای کرمانشاهی در تاریخ معاصر در وحدت و همگرایی بین اقوام ایرانی داشته‌اند.

**واژگان کلیدی:** ایران‌گرایی، لاهوتی، هویت ایرانی، وطن، ارزش‌های ملی.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی parvanenadernejad@gmail.com  
۲. دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول) mollaiynet@yahoo.com

---

## *Components of Iranian National Identity in Abolghasem Lahouti's Divan*

Parvaneh Nadernejad<sup>1</sup>

Alireza Mollaiy Tavani<sup>2</sup>

### **Abstract**

Assessing the ideas of Iranian ethnic groups and elites about their national identity is more necessary today than ever to pave the way for the integration and national unity of Iranians. The subject of this article is a reflection on Abolghasem Lahouti's views and ideas about Iranian national identity. The present study was conducted to investigate the components of Iranian national identity in the Abolghasem Lahouti's Divan using content analysis method. It examined and evaluated a series of predetermined variables in the Poetry Divan. This means that in order to study the four components of Iranian national identity (including national and ancient values, cultural values of the post-Islamic period, religious values, modern and Western values), certain criteria were considered and the researcher counted and calculated the relevant symbols in the content of the mentioned work. The results of this study indicate that Lahouti, as a patriotic poet and fighter, has always been loyal to the national and cultural values of Iranian identity. Writing works in the style of Shahnameh such as Irannameh and translating Shahnameh Ferdowsi into Russian by the help of his wife is a confirmation of the poet's commitment to his homeland and the preservation and expansion of Iranian values in the world. In other words, Lahouti, despite the ideological changes he experienced during his exile and distance from Iran, but Iranianism and love for the homeland and the desire to visit the homeland, has been an integral part of the poet's thoughts. The necessity and importance of the issue is to express the contribution that the nationalist elites of Kermanshah have made in the contemporary history in the unity and convergence among the Iranian ethnic groups.

**Keywords:** Iranianism, Theology, Iranian Identity, Homeland, National Values.

---

1. PhD student in post-Islamic Iranian history, Institute of Humanities and Cultural Studies  
parvanenadernejad@gmail.com

2. Associate Professor, Institute of Humanities and Cultural Studies (Corresponding Author)  
mollaiynet@yahoo.com

## مقدمه

در دوره مشروطیت جامعه ایرانی تحولاتی زیادی را در زمینه حکومت، سیاست و اجتماع تجربه کرد. در این دوره، ایرانیان در راه تأسیس دولت \_ ملت گام برداشتند. گرچه وجود مسائل و موانع داخلی و خارجی عملاً مشروطیت را با بحران مواجه ساخت، اما تأمل درباره هویت ملی از درون گفتمان مشروطه‌خواهی برخاست و بحث از چیستی هویت ایرانی و عناصر آن، به یکی از مهم‌ترین مسئله‌های نخبگان ایرانی مبدل شد. مسئله این پژوهش ارزیابی هویت ملی و مؤلفه‌های آن در دیوان لاهوتی با استفاده از روش تحلیل محتوا است. او و بسیاری از شاعران و روشنفکران هم‌نسلش چون عشقی و فرخی یزدی، به دلایل متعددی مانند انحطاط کشور در دوره‌های قبل و مشکلات داخلی موجود، با مسئله بحران هویت مواجه بودند. در چنین فضائی برخی از نخبگان در راه هویت‌سازی به بازپردازی مفاهیم ناسیونالیسم روی آوردند. لاهوتی به‌عنوان یک شاعر انقلابی و وطن‌پرست، در آثارش همواره به فرهنگ و ارزش‌های باستانی در کنار سه عنصر دیگر ارزش‌های فرهنگی، ارزش‌های دینی و ارزش‌های مدرن پرداخته است. اهمیت این پژوهش، نشان‌دادن سهم لاهوتی به‌مثابه یک نخبه ملی‌گرای کرمانشاهی در بسط همگرایی ملی ایرانیان است.

در مورد پیشینه پژوهش باید گفت که برجستگان حوزه ادبیات معاصر ایران، همچون آرین‌پور، شکیبیا، شفیعی کدکنی، سپانلو، توجهشان عمدتاً معطوف به نقش لاهوتی در حلقه شاعران انقلابی بوده است. آن‌ها ضمن اشاره به کودتای لاهوتی و سرنوشت او در مهاجرت، نامبرده را نخستین و بزرگ‌ترین شاعر طبقه کارگر می‌دانند که در کنار فرخی و عشقی، این نوع از ادبیات را ترویج دادند. انتقادی‌ترین نگرش درباره لاهوتی از سپانلو است که نسبت به مرحله دوم زندگانی وی در مهاجرت و سبک و محتوای اشعارش نقد دارد. سپانلو، هرچند به تنگناهای لاهوتی هم به‌عنوان یک فراری از وطن و پناهنده کشور شوروا اشاره کرده اما لاهوتی را شاعری صرفاً در کادر سیاسی/مبلغ حزب کمونیست شناخته. سایر پژوهشگران، تحول کیفیت شعر لاهوتی را محصول شرایط پیش‌آمده می‌دانند که شعرش را تحت تأثیر قرار داده و از قدرت بالندگی و رشد در آثار بعدی وی کاسته است، هرچند به پیشگامی این شاعر در زمینه ادبیات کارگری هم اذعان داشته‌اند. تاکنون هیچ پژوهشی درباره دیدگاه

لاهوتی پیرامون هویت ایرانی صورت نگرفته است. بشیری نوشته اگر سروده‌های او را درست بررسی کنیم، درمی‌یابیم که از ده بخش سخنانش، هشت بخش آن درباره ایران و میهن‌پرستی است. از نظر شفيعی، اهمیت لاهوتی، طرح ادبیات کارگری مشروطه است که هرچند مقیم کشور شوراهاست، اما صدایش از دور شنیده می‌شود و اشعارش مملو از وطن‌پرستی و آزادی است. آری‌پور لاهوتی را نخستین شاعر فارسی‌زبان طبقه کارگر معرفی کرده که این صفت اصلی اشعار بعدی وی (حمایت از طبقات کارگر و فرودست) در اشعار نخستین او هم به چشم می‌خورد. سپانلو گفته: برای تحقیق در سرگذشت لاهوتی، از راه جستجو در شعرهایش می‌توانیم تصویری واقعی‌تر به دست آوریم.

از میان پژوهش‌های موجود، مقاله «مفهوم ملیت در اشعار لاهوتی» بیشترین شباهت را به پژوهش حاضر دارد. با این تفاوت که نویسنده آن، صرفاً در مورد وطن‌پرستی این شاعر اظهار نظر کرده و حضور شاعر در مبارزات نظامی را عامل جداکننده وی از سایر شاعران دوره مشروطیت شناخته است. صدی‌نیا بر این باور است که اگر بخواهیم بر اساس اشعار لاهوتی درباره دیدگاه میهنی وی اظهار نظر کنیم، بایستی دو دوره زندگی سیاسی و فکری شاعر را تفکیک کنیم. شعر لاهوتی، در دوره اول زندگانی‌اش، ترجمان اندیشه‌های میهن‌دوستان و آزادیخواهان است. در دوره دوم حیات لاهوتی، ایدئولوژی مارکسیستی (لنینی - استالینی) بر تلقی میهنی وی سایه می‌افکند.

یکی از نقاط ضعف تحقیقات درباره لاهوتی، عدم بررسی هم‌زمان جنبه‌های ادبی- فرهنگی و رویدادهای تاریخی سیاسی زندگی اوست. لاهوتی را باید با در نظر آوردن اقدامات سیاسی در وطنش، اشعار میهنی، منظومه‌های ایران‌نامه و نوروزنامه، تلاش در راه احیای فرهنگ و زبان تاجیکستان که به فرهنگ ایرانی نزدیک است، ترجمه اشعار اروپایی به فارسی و وارد کردن موضوعات تازه آن، پرداختن به فرودستان، زنان و کودکان، وضعیت دیالوگ‌گونه اشعارش، طرح ادبیات کارگری، نوآوری در اوزان عروضی، قافیه و قالب‌های شعر، بسترسازی و پیشگامی برای ابداع شعر نو فارسی، طرح انترناسیونالیسم پرولتاریایی در زبان فارسی و اثرگذاری آن روی جهان‌وطنی اسلامی امثال لاهوری، معرفی زبان و فرهنگ ملی در شوروی، باید قضاوت کرد. با در کنار هم قراردادن این اقدامات می‌توانیم به تصویر

کاملی از وی برسیم. به علاوه، در قضاوت دیدگاه‌های وی، می‌بایست محدودیت‌های یک پناهنده سیاسی را هم در نظر بگیریم.

مقاله حاضر ضمن توجه به دستاوردهای پژوهش‌های ذکرشده، می‌کوشد بسامد مؤلفه‌های هویت ملی را در آثار لاهوتی بررسی کند. به همین سبب، از روش کمی و تحلیل محتوا بهره جسته است؛ یعنی با استفاده از یک رشته متغیرها به سنجش فراوانی چند مفهوم خاص در اشعار وی پرداخته است. جامعه آماری این تحقیق مشتمل بر ابیات دیوان لاهوتی است که با توجه به این که هر بیت حاوی ۸ کلمه با معنای مستقل است، دیوان لاهوتی شامل ۳۰۸۶ بیت شعر و در مجموع شامل ۲۴۶۹۶ کلمه است. نویسنده در کل اشعار دیوان لاهوتی به جستجوی نمادهای مدنظرش پرداخته و فراوانی واژگان، حاصل شمارش نمادهای موجود در دیوان لاهوتی است. به علاوه، درصدها نیز حاصل فراوانی ضربدر ۱۰۰ و تقسیم بر ۲۴۶۹۶ (تعداد کلمات دیوان لاهوتی) است؛ بنابراین، نتیجه این پژوهش بر تحلیل کمی داده‌ها استوار است.

### زندگی نامه ابوالقاسم لاهوتی

ابوالقاسم لاهوتی متولد ۱۲۶۶ ش. در کرمانشاه و متوفی در سال ۱۳۳۵ در مسکو است. او در یک خانواده کم‌درآمد به دنیا آمد. در هجده سالگی به مشروطه‌خواهان پیوست. در سال ۱۲۸۵، در جنگ با مستبدان نشان ستارخان گرفت و بعد وارد خدمت ژاندارمری شد که نخستین نیروی مستقل و ملی ایران به‌شمار می‌آمد. لاهوتی دوبار به ترکیه سفر کرد. اولین بار، وقتی به جرم خرابکاری در ژاندارمری، به اعدام محکوم شد، به عثمانی گریخت و آموزگار زبان فارسی شد (شکیبا، ۱۳۷۳: ۲۵۷).

با آگاهی از منش میهن‌پرستانه لاهوتی، می‌توان دریافت که در آنجا به شاگردانش چه می‌آموخته و نوباوگان میهنش را چگونه پرورش می‌داده است (بشیری، ۱۳۵۸: ۳۹). لاهوتی ایران‌نامه را به سبک *شاهنامه*، برای آموزش تاریخ ایران به شاگردانش در ترکیه سروده است. وی در سفر دومش با افکار مارکسیستی آشنا شد و پس از چند سال به ایران آمد و به فعالیت در ژاندارمری پرداخت. او در تبریز علیه قانون‌شکنی سردار سپه کودتا کرد و پس از شکست از ایران خارج شد (سپانلو، ۱۳۹۴: ۶۶۶). لاهوتی می‌نویسد، با کمک مالی پرنس

(رضا) ارفع کتاب‌فروشی کوچکی باز کرد که میعادگاه ترک‌ها، ایرانی‌ها، اعراب و روس‌ها بود. نخستین سال‌های زندگی لاهوتی در بادکوبه و مسکو به‌سختی گذشت، ولی بعد به انجمن‌ها و سازمان‌های فرهنگی آنجا راه یافت. دلبستگی لاهوتی به فرهنگ ایران، او را به گسترش زبان فارسی در تاجیکستان و روسیه کشاند. بزرگ‌ترین تلاش لاهوتی در این راستا، این است که با همسرش شاهنامه را از فارسی به روسی برگرداند (شکیبا، ۱۳۷۳: ۲۶۲).

جلد اول شاهنامه به زبان روسی با همکاری لاهوتی و همسرش منتشر شد و پنج جلد بعدی را همسرش در فقدان لاهوتی و با کمک سایر ایران‌شناسان روسی همچون مینورسکی و... به سرانجام رسانید (یونسی، ۱۳۹۹: ۶۳-۵۵). لاهوتی در سال ۱۹۵۷ که مشغول ترجمه شاهنامه به روسی بود و آرزوی دیدار وطن را داشت، درگذشت. به تعبیر بشیری، لاهوتی از آن رشته خون‌های جوشانی بود که در رگ فرهنگ مرده ایرانی به راه افتاد و این نشانگر ارزش لاهوتی برای فرهنگ ایران‌زمین است (بشیری، همان: ۴۱-۴۰).

درون‌مایه اصلی اشعار او برگرفته از مشروطه، میهن‌پرستی و عناصر هویت‌ساز ایرانی است که سعی دارد، مردم را به مبارزه با استبداد و استعمار وادارد. در این مبارزات، ایرانیّت و چهره‌های باستانی چون مزدک و کاوه، برای ساختن آینده‌ای بر اساس موازین اخلاقی، مساوات و آزادی حضور دارند. لاهوتی به‌عنوان یک نویسنده و شاعر روشنفکر، از نمادهای باستانی در اشعارش بهره برد. این نمادها بیانگر تسلط دیدگاه ناسیونالیسم بر فضای شعری اوست. شاعران مشروطه برای تهییج و تحریک خواننده، به شعر چاشنی و فکر حماسی و ملی می‌زدند (زرین‌کوب، ۱۳۵۷: ۳۱). برای لاهوتی این سمبل‌ها، ابزاری بودند تا با استعانت از جایگاه والای آن‌ها در تاریخ و فرهنگ ایرانی، مردم را به میدان مبارزه فراخواند. لاهوتی شیوه رئالیسم و به‌کاربردن شعر طنزآمیز را به‌عنوان حربه مبارزه اجتماعی از صابر آموخته بود (شکیبا، ۱۳۷۳: ۲۵۸). به‌عقیده آجودانی شعر لاهوتی شعر واقعی دوره مشروطه است. لاهوتی می‌کوشید با زبانی ساده توده‌ها را از فقر، استبداد، ناآگاهی، از دست رفتن بخش‌های وسیعی از ایران و استقلال آن آگاه کند (بروجردی، ۱۳۸۹: ۱۶۸). با توجه به عوام‌گرایی شعر مشروطه، شاعران این دوره همچون لاهوتی، از صنایع بلاغی و تأثیرگذار در جهت بیان مشکلات جامعه سود جست‌ه‌اند تا بر مخاطبان خود تأثیر بگذارند و آن‌ها را به ایجاد تغییر ترغیب نمایند.

### چارچوب مفهومی

از دیدگاه اشرف مفهوم تاریخی هویت ایرانی در معنای یکپارچگی سیاسی و قومی، در قرن سوم میلادی از سوی پادشاهی ساسانی وارد تاریخ ایران می‌شود. هویت ملی پدیده‌ای است که ریشه در تجربیات مشترک و خاطرات جمعی مردم دارد. در دوره تاریخی معینی ابداع و قباله تاریخی برایش ثبت می‌شود (اشرف، ۱۳۸۷: ۲۲). با ورود اسلام به ایران و طی قرن‌های ۵-۲ تکاپوهای جدیدی شروع شد و ایرانی‌تبی دیگر در تعامل با اسلام پدید آمد؛ اما در مفهوم جدید، هویت ایرانی در قرن ۱۳، طی آشنایی ایرانیان با تمدن غرب پدیدار گشت (اکبری، ۱۳۸۴: ۸-۱).

احمدی فرایند تاریخی تشکیل هویت ملی ایرانیان را در فراهم آوردن هسته‌ای سخت مشاهده می‌کند که این هسته حاصل آمیزش چهار عنصر سرزمین، تاریخ، میراث فرهنگی و سیاسی مشترک است. بروجردی عقیده دارد هویت ایرانی به علت موقعیت خاص جغرافیایی، از سه حوزه تمدنی ایرانی، اسلامی و غربی تأثیر پذیرفته و استراتژی روشنفکران ایرانی، اختلاط و پیوند این سه گفتمان با یکدیگر و شکل دادن به هویت ترکیبی بوده است (بروجردی، ۱۳۷۹: ۳۲۳ و ۳۲۰).

هویت ایرانی دارای لایه‌هایی است که در طول تاریخ شکل گرفته است. مسکوب بر اهمیت زبان فارسی، مهرداد بهار و ستاری بر اهمیت فرهنگ نظر داشته‌اند. رجایی و کچوئیان هم هویت ایرانی را دارای سه عنصر اساسی ۱- فرهنگ باستانی ایران ۲- فرهنگ ایران اسلامی ۳- فرهنگ مدرن می‌دانند.

مشخص است که هرکدام این چهره‌ها، دیدگاه خاص خود را درباره هویت ملی دارند و به یکی از عناصر یا لایه‌های هویت ملی، سهم بیشتری می‌دهند. اشرف و اکبری بین هویت ایرانی که تبار تاریخی طولانی‌ای دارد و هویت ملی که مربوط به دوران مدرن است، تمایز قائل هستند. علت اهمیت تعریف مبتنی بر سه لایه از هویت ملی، جامعیت و ایران‌شمولی آن است. در باور و فکر هر ایرانی، نمادها و نشانه‌های بارزی از این سه لایه وجود دارد. در این مقاله نیز عناصر هویت ملی را ذیل چهار عامل (ارزش‌های ملی ایرانی، ارزش‌های ایران اسلامی، ارزش‌های دینی و ارزش‌های مدرن) تعریف و برای هر عنصر، متغیرهایی در نظر گرفته شده که نمادی از آن لایه هویتی است.

پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از تعاریف اندیشمندان بالا در مورد هویت و نقش عناصر مختلف در تکوین آن، طبق چارچوب مفهومی زیر، فراوانی شاخصه‌های هویت ایرانی را در آثار لاهوتی بررسی کرده است:

۱- ارزش‌های ملی ایرانی: همچون زبان فارسی، سرزمین و نژاد ایرانی، تاریخ و اسطوره‌های ملی

۲- ارزش‌های فرهنگی ایران دوره اسلامی: نژاد و قومیت، تاریخ، جغرافیای ایران، مفاخر فرهنگی

۳- ارزش‌های دینی - مذهبی: مبانی اعتقادی، ارزش‌های دینی، آیات و روایات

۴- ارزش‌های فرهنگ غربی: ناسیونالیسم، وطن، زنان، آزادی، علم

### اهمیت نژاد و تاریخ از دیدگاه لاهوتی

لاهوتی شاعر و مبارزی انقلابی است که از اساطیر و تاریخ باستانی به‌عنوان ابزاری برای برانگیختن روح پیکارجوی ایرانیان بهره می‌جوید و در راستای نگرش ایدئولوژیکی خود، از شخصیت‌های تاریخی و اساطیری نام می‌برد. کاوه، نماد توده‌های پیکارگر و ستم‌ستیز است و در مقابل او ضحاک، نماد استبداد و ستم است. لاهوتی از رستم و مزدک هم نام می‌برد و صرفاً از چند شخصیت سیاسی و مؤثر دوران معاصر مانند ستارخان، کوچک‌خان، ارانی و یارمحمدخان نام می‌برد. لاهوتی تاریخ ایران را مانند مارکسیست‌ها تحلیل می‌کند و آن را تاریخ دوطبقه معارض، ستم‌کش و ستمگر می‌داند. ویژگی دیگر اشعار لاهوتی، مقدمه داستان‌گونه‌ای است که در ابتدای شعر مطرح می‌کند. آشنایی با فرهنگ، اندیشه و شیوه زندگی بلشویکی، مایه تازه‌ای به سخنش داده و به گفتارش پختگی و استواری بخشیده است (همان، قبلی: ۶۵). لاهوتی در غزلیات و رباعیاتی که مخاطب آن کارگران و رنجبران است، شاعری بی‌همتاست. هرچا نامی از ایران برده، گریزی به طبقات فرودست هم زده و آن‌ها را به دشمنی با سرمایه‌داران برانگیخته است.

پس از رنجبران، مخاطبان او زنان و سپس آزادی است. در آغاز، شعر سرودن لاهوتی، به سبک پیشینیان و شامل مرثیه‌سرایی بود. سپس به سروده‌های درویشانه و عرفانی رسیده



است. در تهران در اندیشه وی دگرگونی ایجاد شد. لاهوتی بسته به مناسبات شعرش، مصرع‌ها را کوتاه و بلند کرده و همین‌جاست که شعر سپید پدید آمده و به همین مناسبت بشیری او را پدر شعر نو می‌داند. وی سهم خودش از شعر نو فارسی را عرضه کرد، اما آنچه در مرکز شگرد نوآورانه‌اش قرار دارد، توسع معانی بود. او آموخت که اصول کلاسیک را تغییر دهد و در قالبی نو بریزد تا آن اصول را از حیث معنایی وسعت بخشد و بنابراین لایه‌های جدید اجتماعی و سیاسی را منتقل کند (چالیسوا و لاهوتی، ۱۳۹۹: ۳۲).

زندگی فرهنگی لاهوتی، تحت تأثیر زندگانی سیاسی و گرایش‌های سوسیالیستی‌اش قرار گرفته و معمولاً لاهوتی را به دلیل انتقاد نکردن از استالین سرزنش می‌کنند، اما کسی اراده و رفتار وی را در ترجمه *شاهنامه* به روسی، تحسین نمی‌کند. لاهوتی از معدود افرادی است که در سده اخیر در کار جنبش فرهنگی و مردمی ایران تلاش بسیار و جانانه کرده است. یکی از مباحثی که در نقد ادبی مطرح و در شعر لاهوتی وجود دارد، صمیمیت و سادگی نهفته در شعر است که گفتگو با مخاطب را آسان می‌سازد. یکی دیگر از اصول مطرح در نقد ذوقی شعر، مفاخره است که آن اشاره شاعر به موضوعاتی است که سبب فخرفروشی می‌شود. یکی از این موارد را به‌صورت اشعار حماسی لاهوتی می‌بینیم. مورد دیگر مفاخره، برتری‌جویی لاهوتی در اشعار کارگری است که نسبت به سایر شعرا تفاخر کرده. فارغ از تغییرات ایدئولوژیکی لاهوتی، متعهد بودن وی به ایرانیان و منافع مردم قابل‌تحسین است. برای بررسی مؤلفه‌های هویت ملی در دیوان اشعار لاهوتی، بر چهار عنصر هویت‌ساز ارزش‌های ملی باستان، ارزش‌های دینی، ارزش‌های ایران اسلامی و ارزش‌های مدرن تأکید شده است.

### الف) مؤلفه‌ها و عناصر باستانی ایران

توضیح این نکته که چرا لاهوتی از نمادهای ملی باستانی در اشعارش استفاده کرده، درک بهتر دیدگاه وی مؤثر خواهد بود. برخی عقیده دارند، باستان‌گرایی نوعی واکنش به وضعیت نابسامان مملکت و زبونی دولت در برابر بیگانگان بود. لاهوتی با ناسیونالیسم باستان‌گرای خود و تحقیر پیشینه تمدنی اقوام و ملل دیگر و ستایش ساسانیان، می‌خواست، برتری‌جویی کند بر سایر ملت‌ها (صدری‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۲۸). حقارت در برابر غرب و ارتباط با

هند در دوره قاجار، زمینه بازپردازی ایران را فراهم آورد. تاریخ‌نگاری ایران‌مدار، جایگزین تاریخ‌نویسی اسلامی شد و گذشته‌های خاموش و فراموش‌شده، پرشکوه جلوه کرد (توکلی‌طرقی، ۱۳۹۷: ۲۳). کشفیات باستان‌شناسی غربی‌ها ایرانیان را با تاریخ پرافتخار خویش آشنا ساخت. ترجمه آثار تاریخی مورخان کلاسیک یونان به فارسی به بازشناسی بسیاری از یادگارهای تمدن ایران باستان انجامید.

اهمیت شاخصه ایرانیّت در نزد لاهوتی به‌اندازه‌ای بوده که یکی از اهداف مهم زندگی خود را در این می‌دید که شاهنامه گنجینه فرهنگ جهانی شود (یونسی، ۱۳۹۹: ۶۸). وی در ایران‌نامه به بازسازی هویت ایرانی پرداخت و آن را به ایرانیان پاک‌نژاد تقدیم کرد. باستان‌گرایی، نه‌تنها به‌عنوان شاخص گونه‌های مختلف ایران‌گرایی و بخش ثابت ادبیات سیاسی تلقی شد، بلکه وسیله‌ای شد برای احیای وحدت ملی و دفع موانع تشکیل و خطرهای تهدیدکننده آن.

لاهوتی در اشعارش از نمادهای اسطوره‌ای مانند کاوه و مزدک جهت برانگیختن حس کوشش برای تجدید حیات آن عصر طلایی بهره می‌گیرد. کارکرد دیگر باستان‌گرایی، یادآوری بلایایی است که ایران را به خاک سیاه نشانده است. برجسته‌ترین انگیزه‌های توجه به ایران باستان عبارت است از احیای هویت ملی، خوش‌بینی افراطی به ایران باستان، التیام احساس حقارت در برابر بیگانه، اسلام‌ستیزی، انتقاد از وضعیت حال، تحریک غرور ملی و شکست‌ناپذیری (زارع، ۱۳۸۶: ۱۲۱).

درباره دوره باستان برمؤلفه‌هایی چون مذهب، نمادهای ملی، اسطوره‌ها، میراث فرهنگی، تاریخ و جغرافیای ایران متکی است.

| شاخصه          | فراوانی | درصد  |
|----------------|---------|-------|
| مفاهیم سرزمینی | ۴۲      | ٪۱۶۸  |
| قهرمانان حماسی | ۲۰      | ٪۸۰   |
| تاریخ و تمدن   | ۸۷      | ۰/۳۴۸ |
| نژاد و قومیت   | ۱۴      | ٪۰۵۶  |
| باورهای دینی   | ۱۰      | ٪۴۰   |
| جمع            | ۱۳۲     | ۰/۷۰۰ |

واژگان عجم، پارس، ایران، آریایی، اشاره به نژاد ایرانی در برابر تازی دارد. اسامی چهره‌های قهرمان مانند کاوه، رستم، مزدک، اسامی جغرافیایی مانند تخت‌جمشید، اسامی شاهان مانند جمشید، هوشنگ، ارزش‌های دینی مانند اورمزد، زرتشت، نمادهای ملی ایرانی هستند.

جدول شماره ۱ نشانگر اهمیت و حضور مؤلفه باستانی در شعر لاهوتی است. بر اساس فراوانی یک‌سری معیارها به این نتیجه می‌رسیم که شاعر ۰/۷۰۰ درصد از واژگان دارای معنا را در دیوان خود به این شاخص اختصاص داده. وی از نمادهای مذهبی اهریمن و یزدان، زرتشتی‌گری هم استفاده کرده است. متغیر تاریخ و تمدن با ۳۴۸٪ درصد فراوانی در جایگاه نخست و مفاهیم سرزمینی با ۱۶۸٪ فراوانی در مرتبه بعدی نسبت به سایر شاخصه‌ها برجستگی بیشتری دارند.

دربیت زیر نام خسرو پرویز و شیرین، معشوقه وی آمده و اشاره به کشته‌شدن او دارد.  
 شیرین چو شکر باشد در پیش تو جان دادن      گر چرخ دزد پهلوی، چو خسرو پرویزم  
 (بشیری، ۵۷: ۸۳۹)

در بیت زیر لاهوتی دو عنصر هویت‌ساز ایرانی و اسلامی را در یک مصرع آورده. مفتی واژه‌ای است خطاب به حاکم شرع و فقیه دوران اسلامی و اردشیر یکی پادشاهان ساسانی.  
 ببین تجاهل عارف که ملک ملت را      گرفت مفتی و از اردشیر ساسان کرد.  
 بیت زیر بیانگر یکی از وقایع تاریخی دوران هخامنشی و آتش زدن کاخ خشایارشا توسط اسکندر است. تاریخ ایران یکی از مؤلفه‌های هویت ایرانی است.

چو بر استخر آتش زد سکندر      در آنجا نامه‌ها را سوخت یکسر  
 بیت زیر در مورد عنصر جغرافیایی مکان است و به‌عنوان نمادی برای ارزش‌های ملی در نظر گرفته شده است و اشاره به ورود و پراکندگی اقوام آریایی در ایران زمین دارد.  
 دگر برخی از آنان چابک و زفت      به اکباتان و آذربایجان رفت.

اشاره شاعر به گستردگی مرزهای جغرافیایی ایران باستان، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های هویت ملی.

چهل سال آن شهنشه مرزبان بود جهان ایران و او شاه جهان بود

در زیر، کاوه نماد قیام مردم علیه ظلم ضحاک و حرفه او آهنگری است. برخاستن کاوه از میان مردم در اشعار لاهوتی داعیه‌دار حمایت از توده‌های رنج‌دیده، حائز اهمیت و مصداق است بر این که طبقه مظلوم بر حکام ستمگر پیروز می‌شود. لاهوتی با استفاده نمادین از شخصیت کاوه، طبقه کارگر و توده‌های ایرانی را به مبارزه با ستمگران زمانه فراخوانده است.

ای پتک نژاد کاوه بردار تاج سر این سبک‌سرن را

(لاهوتی، ۱۹۷۵: ۸)

در زیر کاوه: نماد قیام مردم، رستم (قهرمان ملی)، ضحاک: نماد حکام ظالم است. اشاره به این نوع تناقض‌ها متناسب است با حوادث دوره مشروطه مانند تقابل مشروطه‌خواهان و مستبدین.

در وقت بزم بلبل دستانگو در روز رزم رستم دستانم

شد بارها چون کاوه آهنگر ضحاک ظلم بسته به زندانم

در بیت زیر لاهوتی با نام‌آوردن از نژاد آریایی و عجم، به عنصر نژاد و قومیت اشاره کرده که یکی از نمادهای هویت ملی است.

شوم پویان به راه نکته‌دانی بگویم از نژاد آریانی

عید نوروز مهین جشن نژاد عجم است

لاهوتی ایرانیان را از نژاد مزدک شناخته. مزدک‌گرایی، از ویژگی‌های شعر مشروطیت است و در زیرمجموعه ناسیونالیسم باستان‌گرایی لاهوتی قرار دارد. استفاده از این واژه تصادفی نبوده و تأکید لاهوتی روی آن، به‌عنوان یک متفکر انقلابی است. اگرچه از اندیشه‌های او برای تحقق جامعه بی‌طبقه و اشتراکی آگاه نبوده باشد. این بیت‌ها مبین انتقاد شاعر است نسبت به حجاب و پوشش زنان.

شد گفتگو ای نژاد مزدک      زن چادر سیاه چون زندان  
برخیز و از این حیات تاریک      آزاد شو ای نژاد مزدک

(همان، ۱۰۲)

شاعر نسل ایرانیان را به زال می‌رساند. نژاد نقش زیادی در انسجام به هویت افراد دارد و یکی از مؤلفه‌های هویتی ایرانیان محسوب می‌گردد.

در بین دلاوران دنیا      تو اصل و نسب ز زال داری

لاهوته شاهان باستانی را هنرور، پاسدار دین زرتشتی توصیف کرده و به عجم به‌عنوان نژاد ایرانی و اوستا، نماد ارزش‌های دینی و پیشدادی، بیانگر قدمت تمدن ایرانی اشاره کرده است

خشم کین و حسد و زشتی و بهتان بودند      همه بر مذهب اورمزد نگهبان بودند  
مؤمن پاک و پرستنده یزدان بودند      نیک‌پندار و نکوگفته و نیکوکردار  
هنر نابود گردید و خرد گم      ره موهوم آمد پیش مردم

اشاره به آئین زرتشتی و مزدیسنا به‌عنوان دین ایرانیان، خط پارس و پارس به‌عنوان اسم خاص برای ایران، نمایانگر علاقه شاعر به شاخصه باستانی هویت ایرانی است.

عرب چون گوسپند و گاو می‌کشت      نبود این شیوه آئین زرتشت

(لاهوته، پیشین: ۳۷)

شاعر به دشمنی ضحاک تازی، با آئین ایرانیان اشاره کرده و منشأ بسیاری از رسوم بد را از زمان این شاه می‌داند.

چو دشمن بد با آئین زرتشت      بهر روزی گروهی تازه می‌کشت

در بیت زیر شاعر از نمادهای مذهبی مانند اهریمن و یزدان، زرتشتی‌گری استفاده کرده است.

به مینو جا دهد اُرمزد او را      دهد پاداش کردار نکورا  
 به روی دوزخ اُرمزد از سر داد      کشیده راست یک پاکیزه خط چینواد  
 با توجه به گرایش وطن‌پرستانه لاهوتی، وی «عجم» را در معنی ایرانیان به کار برده  
 است.

فروزان اختر بخت عَجَم شد      که شاهنشاهشان جمشید جم شد  
 در زیر لاهوتی به آثار تمدنی، تاریخی و فرهنگی باستان اشاره کرده.  
 کنون آن طاق و دیوار شکسته      دهد یاد از هنرهای خجسته

(همان، پیشین: ۳۲)

در بیت زیر، لاهوتی دوران طلایی را در این سرزمین مربوط به باستان می‌داند.  
 لاهوتی به نابودی کتاب‌های زند و پازند در دوران اسلامی اشاره و با خشم از نژاد عرب  
 یاد کرده. هرچند اولین گرایش‌های ناسیونالیستی در میان روشنفکرانی همچون آخوندزاده  
 رمانتیک بود، اما در آستانه مشروطیت، در میان نسل جدیدتر روشنفکران شاهد ظهور انواع  
 مختلفی از ملی‌گرایی هستیم، از معتدل گرفته تا شوونیسم و ناسیونالیسم سکولار.

سپس چون بخت ایرانی تبه شد      ز بیداد عرب روزش سیه شد  
 نژاد تازی از کین آتش افروخت      سراسر نامه‌های پارس را سوخت

(لاهوتی، ۱۲۸۹: ۱۴)

لاهوتی هر کدام از شاهان باستانی را با یکی از پیامبران قرآنی تطبیق داده است.

مهین هوشنگ را ادريس دانند      گروهی از خردمندان بر آن‌اند

### ب) عناصر و مؤلفه‌های ایران دوره اسلامی

لاهوتی در اشعارش از نمادهای ایران اسلامی استفاده کرده که این کاربرد نمایانگر  
 حضور سمبل‌های ارزشی اسلامی در نظام باورهای اوست. کلمات مربوط به ساختار اداری

دوران اسلامی مانند شحنه، محتسب، قلندر، مفاهیم مربوط به دوره‌های تاریخی مانند لشگر چنگیز مغول در این مورد است. درویش، شیخ و سلطان که دو واژه اول اشاره به فضای عرفانی جامعه و سلطان نمایانگر حکومت اسلامی است.

| شاخصه فرهنگی       | فراوانی | درصد |
|--------------------|---------|------|
| نژاد و قومیت       | ۱۲      | ٪۴   |
| مفاهیم فلسفی، ادبی | ۲۱      | ٪۸   |
| تاریخ و تمدن       | ۳۱      | ٪۱۲  |
| جغرافیای ایران     | ۴۷      | ٪۱۹  |
| جمع                | ۱۱۱     | ٪۴۴  |

متغیرها و فراوانی حاصل از آن نشان می‌دهد ٪۴۴ درصد از دیوان لاهوتی را متغیرهای مربوط به مؤلفه فرهنگی ایران اسلامی تشکیل می‌دهد که از آن، بیشترین فراوانی مربوط به متغیر جغرافیای ایران ٪۱۹، سپس تاریخ و تمدن ایران با (٪۱۲ فراوانی) است.

اسامی شهرهای ایران، معرف جغرافیای سرزمینی و تأییدی است بر بیشترین میزان فراوانی متغیر جغرافیای سرزمین در دیوان لاهوتی که مربوط به مؤلفه اسلامی است.

دیروز که در محیط گیلان بد پرچم انقلاب بر پا

یاد آر که در سراسر ایران تنها نه در اصفهان و آبادان

بیت زیر گویای عشق شاعر به وطن است. ایران به‌عنوان خانه، بیانگر جغرافیای سرزمین است.

ویران‌تر از ایران بود امروز دل من ای‌وای به این خانه ویران چه توان کرد

(لاهوتی، ۱۳۳۹: ۶۴)

واژه‌هایی همچون شاه، سلطان، شحنه، کلانتر بیانگر ساختار اداری دوران اسلامی است. هرچند لاهوتی با نگاهی انتقادی به این اسامی اشاره کرده و آن‌ها را در مقابل توده‌های ستم‌دیده قرار داده که مانع آسایش و رفاه مردم شده‌اند.

نمی‌روم به در شاه و شیخ و شحنه و مرشد امید عافیت از صنف مفتخوار ندارم  
نی سپاه سرخ نام‌آور کند ننگین مزار بر چند ملعون‌تر از چنگیز هم چنگیزتر  
بر اساس نگرش مارکسیستی لاهوتی تاریخ ایران، سراسر تضاد طبقاتی و تقابل  
ستمگر و ستم‌کش بوده است.

تاریخ توهم بود سراسر تاریخ دو صنف ضد و دشمن  
این بیت اشاره به یکی از مراحل تصوف دارد که در آن صفات بشری به صفات خدائی  
مبدل می‌شود.

گشت مست از می فناء فی‌الله هر که نوشید این شراب رحیق  
در زیر بایزید بسطامی و شبلی از عرفای قرون دوم و سوم هجرت هستند و این اشعار  
نوعی بزرگداشت عرفای ایران اسلامی است.  
ز عون دوست ز هر سو رسد به گوش دلم هزار نکته معنی چو عارف بسطام  
به ذکر قلبی من شبلی زمان خودم ز جام حب تو مستم نه از خواص مدام  
در ایران‌نامه، لاهوتی برای حفظ ارزش‌های باستانی، آن‌ها را با یک شخصیت قرآنی،  
تطبیق داده تا این نمادها مانند نمادهای دوران اسلامی مهم جلوه کنند.

به گفتار خردمندان کشور سیامک بود آن شیث پیمبر  
بیت زیر اشاره به دوره قاجار است که حاکم خراسان مالیات فراوانی از دهقانان  
می‌گرفت. حکایت دختران قوچانی در ۱۲۸۴ از مؤلفه‌های هویت ایرانی محسوب می‌شود.

تا چند دهاتیان به رشوت بخشند به خواجه دختران را  
لاهوتی واژگان پادشاه، شیخ را در شعرش آورده که به ساختار و قشربندی جامعه اشاره  
دارد. شیخ اشاره به قشر مذهبی و روحانیون و بیانگر مؤلفه ارزش‌های ایران اسلامی است.  
یکی با پادشاه و شیخ و خاندانش فقط از روی حسن ایران پسندد



در زیر، لاهوتی از مفاخر دوران اسلامی نام برده است.

به سعدی گوش ده اگر اهل دردی      نترس از مرگ در میدان مردی

(بشیری، ۱۳۵۸: ۵۶۴)

### ج) عناصر و مؤلفه‌های دینی - مذهبی

برای بررسی ارزش‌های دینی در آثار لاهوتی، از مبانی اعتقادی، مناسک و اماکن دینی، نموده‌های شیعی، قرآن، روایات استفاده شده است.

| شاخصه دینی      | فراوانی | درصد |
|-----------------|---------|------|
| مبانی اعتقادی   | ۲۴      | ۹٪   |
| مناسک دینی      | ۴۵      | ۱۸٪  |
| اماکن مذهبی     | ۲۴      | ۹٪   |
| آیات و روایات   | ۳۵      | ۱۴٪  |
| پیامبران و ائمه | ۶       | ۲٪   |
| رهبران دینی     | ۶۷      | ۲۷٪  |
| قوانین اسلام    | ۱۶      | ۶٪   |
| جمع             | ۲۱۷     | ۸۷٪  |

این جدول نشان می‌دهد ۰/۸۷ از کلمات دیوان لاهوتی را شاخصه دینی تشکیل می‌دهد. نماز و قرآن‌خواندن، آیت‌الکرسی و فاتحه‌خوانی، از متغیرهای هویت ملی است. بیشترین بسامد به رهبران دینی با ۲۷ درصد فراوانی، سپس به متغیر مناسک دینی با ۱۸ درصد فراوانی مربوط می‌شود. به‌رغم این‌که لاهوتی در مسیر مبارزات سیاسی خود تحولات ایدئولوژیکی شگرفی را تجربه کرد، اما باورهای دینی هویت‌ساز در شعر وی حضور داشته‌اند.

منظور از رهبران دینی، علما و نمایندگان دین در جامعه است. در پائین شیخ را که لاهوتی نقد کرده است، به این منظور آمده است.

شیخ پیمان خود اندر سر پیمانۀ فروخت      او که هشیار بُد، این را ز چه مستانه فروخت

(بشیری، ۱۳۵۸: ۵۵)

در زیر شاعر هم به گرایش‌های سوسیالیستی خود مبنی بر حمایت از طبقه کارگر پرداخته و به نارضایتی از دربار و علمای درباری، بهره‌کشی حکومت و علمای دینی از طبقه کارگران نیز اشاره کرده است. انتقاد از سوءاستفاده برخی علما از دین، در شعر شاعران مشروطه‌خواه فراوان است. در روزگار لاهوتی، برخی از مشروطه‌خواهان سکولار و ناسیونالیست‌های باستان‌گرا نیز، زبان به نقد دین گشودند؛ زیرا مصائب مردم و عقب‌ماندگی جامعه را به سلطه اعراب و دین اسلام نسبت می‌دادند.

کارگر از دین و دولت چون که استثمار گردد

مسجد، نماز خواندن، سبحة و زنار، نمادهای دین اسلام، دستار، عمامه و خرقة به‌عنوان کسوت اهل دین مواردی است که به مؤلفه هویت ملی اشاره دارد.

در زیر لاهوتی به مناسک عبادی شیعیان، زیارت حرم امام حسین اشاره کرده.

ای دهاتی رو به مکتب کربلا در کار نیست.

بیت زیر در اشاره به مناسک دینی است.

تا آن که حکومت است ز اعیان تو فاتحه بهر خویش برخوان

بهره‌گیری از آیات و روایات برای بیان خرافات و استفاده‌های ابزاری حکام از دین، در شعر لاهوتی قابل مشاهده است. روز جزا، سزای خوبی و بدی نوعی اعتقاد به معاد در خود دارد. در اینجا «شیخ» به واعظ و روحانی اشاره دارد.

قصه غلمان و حور شیخ را باور مکن از این افسانه‌ها بسیار هست

(لاهوتی، ۱۹۷۵: ۶)

در زیر، لاهوتی یکی از قوانین اسلام را بیان کرده که در مواقع لازم حاکم شرع حکم صادر می‌کند و فتوی می‌دهد.

کارگر از دین و دولت چون که استثمار گردد تا بمیرم دشمنی با مسجد و دربار دارم

وگر که مفتی شهرم به کفر فتوی داد خوشم که کفر من اسباب افتخار من است

در بیت زیر، شاعر به یکی از مبانی اعتقادی اسلام اشاره کرده که ماجرای حضرت آدم و رانده شدن از بهشت است. نام قرآن و داستان آدم و حوا و اشاره ضمنی به معاد از ارزش‌های دینی و هر دو مؤلفه هویت ایرانی‌اند.

دل آدم بردار گندم خالش نه عجب      جد من دین خود اندر سر این دانه فروخت  
در زیر، لاهوتی به برخی از مبانی اعتقادی اشاره کرده. روز جزا و اسم پیامبر، بیانگر ارزش‌های دینی است.

به او گفت که یزدان به روز جزا      بدی می‌دهد بر بدی‌ها سزا  
اگر جوینده راه خدایی      نباشد جز محمد رهنمایی

نقد حجاب و چادر، سن پائین ازدواج دختران در شعر لاهوتی هم دیده می‌شود. یکی از مواردی که روشنفکران به آن پرداخته‌اند، حقوق زن و حضور آزادانه وی در اجتماع است.

در زیر شاعر از پادشاه قاجار به علت پوشش زنان انتقاد کرده است. نگاه لاهوتی در برخی غزلیاتش به زن در قالب شهروندی است که باید در سرنوشت خود و تحوّل جامعه مؤثر باشد.

ای پادشاه پارس در این عصر روشنی      زن را به تیرگی زچه مجبور می‌کنی  
تف بر سلیقه تو که در چادر سیاه      زن‌های زنده را همه در گور می‌کنی  
در زیر اسامی پیامبران و ائمه بیانگر مؤلفه دینی هویت است.

علت غائی ایجاد علی اعلا      که خدا نیست ولیکن ز خدا نیست جدا

(همان، ۱۳۳۹ق: ۱۸)

یا رب از حادثه دهر گزندت مرساد      که ودیعت ز بنی‌هاشمی و سام‌سوار  
بیت زیر نشانگر علاقه لاهوتی به امام علی است. شاخصه ائمه مربوط به ارزش‌های دینی و یکی از مؤلفه‌های هویت ملی است.

من آن شاه ولی را می‌شناسم پس از یزدان علی را می‌شناسم.

### د: عناصر و مؤلفه‌های مدرن

در بررسی میزان توجه به فرهنگ غرب در اشعار لاهوتی، شاخص‌هایی مانند ناسیونالیسم، مشروطه و رهبران آن مورد استفاده قرار گرفته است. اسامی چهره‌های مبارز و مشروطه‌طلب مانند ستارخان، یارمحمدخان، احزاب مانند اجتماعیون، ذکر رویدادهای مشروطیت مانند به توپ بسته شدن مجلس، درگیری مستبدین و مشروطه‌خواهان، انتقاد از قوانین اسلامی درباره پوشش زنان و طرفداری از حضور آن‌ها در جامعه، بیانگر ارزش‌های مدرن است.

| شاخصه‌های فرهنگ غربی  | فراوانی | درصد  |
|-----------------------|---------|-------|
| ناسیونالیسم:          | ۶۲      | ۲۵٪   |
| مشروطه و رهبران آن    | ۲۷      | ۱۰٪   |
| مجلس، انتخابات، احزاب | ۳۰      | ۱۲٪   |
| حقوق زنان، آزادی      | ۴۷      | ۱۹٪   |
| طبقات اجتماعی         | ۳۳۴     | ۱/۳۵  |
| جمع                   | ۵۰۰     | ۲/۰۲۴ |

در اندیشه‌های روشنفکری مشروطه، دو هدف اساسی دنبال می‌شد. ایجاد دولت ملت مدرن به منظور توسعه منابع کشور و حفظ استقلال ایران در برابر قدرتهای خارجی. این اندیشه ملی، تمامی مردمان را بدون توجه به وابستگی مذهبی، ریشه قومی، زبانی یا موقعیت اجتماعی دربرمی‌گرفت. به این ترتیب، اندیشه حاکمیت ملی مردم ایران از ابتدای انقلاب به شعار هواخواهان مشروطه، سکولاریسم، پیشرفت و برابری تبدیل شد. در شعر لاهوتی بسیاری از مفاهیم مدرن متأثر از غرب را در حوزه سیاست و اجتماع، فردیت، زنان، تشویق به کسب علم، تأکید بر کار و اتکاء به آن می‌بینیم. فراوانی جدول بالا نشان می‌دهد ۲/۰۲۴ درصد از دیوان لاهوتی را مؤلفه‌های مدرن تشکیل می‌دهد که طبقات اجتماعی دارای بیشترین فراوانی (۱/۳۵) و سپس متغیر ناسیونالیسم با ۲۵٪ در مرتبه بعدی قرار می‌گیرد.

در زیر لاهوتی شعرش را خطاب به طبقه کارگر سروده و به یکی از کشته‌شدگان دوران رضاشاه اختصاص داده که در دفاع از این طبقه جان داده است؛ رفیق حجازی.

ای کارگر اسیر امروز      فردا چو شوی تماماً آزاد  
 آن روز ز روی حس وجدان      از روح رفیق خود بکن یاد  
 در محبس هولناک طهران      اندر ره صنف خویش سر داد

سرداد ولی به سرفرازی

پژوهشگران دو موضوع اساسی شعر لاهوتی را تصویرگری زندگی زحمت‌کشان، بیداری آن‌ها و دعوت به مبارزه علیه استیلاگران اجنبی شناسایی کرده‌اند.

سخن گفتن از وطن و نام ایران که در اکثر شعرهای لاهوتی دیده می‌شود، تأییدی است بر میهن‌پرستی وی که دارای بیشترین فراوانی است. وطن به مفهوم جدیدی که در مشروطه ترویج می‌شد، اشاره به عنصر ناسیونالیسم در شعر لاهوتی است. در سروده‌های لاهوتی در استانبول گرایشی به سوی ناسیونالیسم رمانتیک مشاهده می‌شود که نموده‌های آن علاقه به گذشته پرافتخار ایران، تحقیر ملل دیگر و بهره گرفتن از اسطوره‌های باستانی است (صدری‌نیا، ۱۳۷۵: ۱۹۸).

اگر ایرانی توئی یانکی دگر کیست      درون خانه تو کار او چیست؟

شاعر در بیت زیر، واژه «عجم» را در معنی ایرانیان استفاده کرده که در فرهنگ عمید به معنی غیرعرب و کشور ایران و در فرهنگ معین به معنی غیرعرب و ایرانی آمده و اشاره‌ای به نژاد ایرانی و یکی از مؤلفه‌های هویت‌ساز است. در دوران جنگ جهانی اول، بر اثر گسترش ارتباطات فکری و فرهنگی ایرانیان با اندیشه‌های جدید و حوادث سیاسی اجتماعی کشور، زمینه برای پذیرش نژاد آریایی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی فراهم گردید. بر همین اساس، نگارنده، هر واژه را که در اشاره به ایرانیان باشد، به‌مثابه سمبل هویت ملی در نظر گرفته است.

در بیت زیر منظور از وطن ایران است. به‌گفته خامه‌ای یگانه آرزوی لاهوتی این بود که وطن و زادگاهش را ببیند.

من آن کبوتر سخنم که در وطن‌خواهی      بهشت را نستادم به جای لانه خویش

لاهوته، نمادهای هویت‌ساز باستانی و اسلامی را در ترکیب‌های نژاد علی و دوده ساسان به کار برده است. متغیر نماینده اشاره به ارزش‌های غربی و از عناصر هویت ایرانی است. شعر زیر خطاب به خان‌ملک ساسانی، سفیر ایران در ترکیه است و بیت آخر، اشاره به ناسیونالیسم دارد.

ای که امروز به این خلق نگهبانی تو      نایب خاص و فرستاده سلطانی تو

اندر این ملک نماینده ایرانی تو      از نژاد علی و دوده ساسانی تو

از علی ارث بری غیرت و آئین و داد فر و حشمت ز مهین دوده بهرام و قباد

دو بیت زیر نیز آشکارا به وطن‌پرستی شاعر اشاره دارد.

تئیده یاد تو در تار و پودم، مهین ای مهین      بود لبریز از عشقت وجودم، مهین ای مهین

تو بودم کردی از نابودی و با مهر پروردی      فدای نام تو بود و نبودم، مهین ای مهین

(لاهوته، ۱۳۵۵: ۳۴)

لاهوتهی وطن را به یک انسان دارای اعضا و جوارح، فکر و روح، تشبیه کرده و حس وطن‌خواهی‌اش را با اشاره به نابودی دشمنان وطن بیان کرده است.

تو طالع خلقی کسی ار عیب تو خواهد      بر گردنش از نفرت مردم رسن افتاد

هر سر که به نقصان حیات تو کند کار      با دست دلیرانه ملت ز تن افتد

(بشیری، ۱۳۵۸: ۵۱)

در زیر شاعر کلمات استقلال و آزادی را استفاده کرده که از پیامدهای آشنایی روشنفکران با افکار غربی است.

خلق هر مستملکه این دوره بینا گشته است      بهر استقلال و آزادی مهیا گشته است.

لاهوتهی در اشعارش مردم را به اتحاد در مقابل دشمن دعوت و اخطار می‌دهد، مراقب باشید دشمنان با وعده‌های فریبنده‌ای مانند آزادی شما را علیه هم قرار ندهند و اقوام ایرانی را به اتحاد برای تحقق اهدافشان فرا می‌خواند.

|                          |                          |
|--------------------------|--------------------------|
| هشدار ولی که صنف دشمن    | آلت ننمایید این سخن را   |
| نماید حربه تو و من       | آزادی و مستقل شدن را     |
| زحمتکش‌ها هر آن که هستند | ترک و عرب و بلوچ و اکراد |

واژگان انقلاب، قوای مجریه، پارلمان بیانگر تأثیرات فرهنگ غربی و متغیرهایی برای شاخصه‌های هویت ایرانی هستند؛ بنابراین بسامد این واژگان نشانگر اهمیت یک‌سری ارزش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی غرب در شعر لاهوتی است.

بیت زیر، به یکی از احزاب مشروطه اشاره دارد. نام احزاب مربوط به ارزش‌های غربی و از عناصر هویت‌ساز ملی است.

آن روز که فرقه مساوات      مزدوران را فریب می‌داد

فرقه کمونیست، انگلیس و پولیس و انقلاب متغیرهایی برای نشان دادن نقش فرهنگ غربی در بازتولید هویت ایرانی است که در شعر لاهوتی دیده می‌شود. از طرفی، روح بیگانه‌ستیزی شاعر در این شعر هم قابل‌رؤیت است.

|                       |                        |
|-----------------------|------------------------|
| عجم تابع انگلیسان چرا | ستمکش اسیر پولیسان چرا |
| در سایه فرقه کمونیست  | در مکتب انقلاب ایران   |

اسامی جغرافیایی و اسامی رهبران مشروطه هم در شعر زیر گویای مؤلفه‌های هویت ایرانی است. قشون ملی، شهر رشت و نهضت جنگل، نمادهای مدرن مؤلفه‌های هویت ایرانی است.

سپاه شاه در سمت جنوب جاده تهران      قشون ملی اندر شهر رشت و جنگل گیلان  
واژگان ملی به‌عنوان پسوند سپاه، لشکر، قشون، دولت انتخابی، پارلمان در شعر شاعر بیانگر فرهنگ غربی و سنجه‌هایی برای ارزش‌های غربی در هویت ملی است. متغیر انقلاب مربوط به ارزش‌های مدرن و یکی از مؤلفه‌های هویت ملی را تشکیل می‌دهد.

کشتی فتحم به ساحل می‌رسد با انقلاب      ناخدای خویش دارم من، خدا در کار نیست

(بشیری، ۱۳۵۷: ۹۳۱)

ای خواجه خون رنجبر امروز کم بریز  
 فردا حساب از تو کشد انقلاب سرخ  
 در زیر شاعر به مبارزات سیاسی‌اش در دوره مشروطیت اشاره و خود را به علت اقدام به  
 این امور، جسور معرفی می‌کند. کودتا، انقلاب و خدمت در ژاندارمری، از متغیرهای مربوط  
 به ارزش‌های غربی است.

هم انقلاب کوتاه تبریزم      هم حادثات عمده تهرانم

هم آن جسارت قم و کاشانم

در زیر به مهاجرت دولت موقت نظام‌السلطنه به عثمانی اشاره شده.

شکایت بیر مسلم و ترسا رفتند      به پناه حرم و دیر و کلیسا رفتند

زان میان چندتنی حامی بیگانه شدند      به طرفداری دی خائن جانانه شدند

گرچه با بی‌شرفی تا ابد افسانه شدند      لیک ویرانه شد از فتنه آنان گلزار

در زیر لاهوتی به حکومت استبدادی قاجار، کشته و زندانی شدن مشروطه‌طلبان اشاره  
 داشته. واژه ملت از تأثیرات فرهنگ غربی و مؤلفه هویت ملی است. بیت دوم کنایه‌ای است  
 براین که تاریخ سستی همواره تاریخ شاهان بوده، درحالی که توده‌ها کنش‌گران آن هستند.  
 بیت سوم اشاره به تاریخ ساسانی و پیروزی مسلمانان بر امپراتوری ساسانی. در بیت چهارم  
 شاعر نظام استبدادی حکومت‌های ایران را مسبب ستم بر مردم می‌داند و آرزوی حاکمیت  
 توده را در ایران دارد.

هر آنچه شاه کرد به انقلابیون      به عاشقان خود آن چشم فتان کرد

بیا فسانه تاریخ بین که هر هستی      ز خلق گشت به پا او به نام شاهان کرد

بین تجاهل عارف که ملک ملت را      گرفت مفتی و از اردشیر ساسان کرد

فقط حکومت زحمتکشان کند جبران      مظالمی که در ایران نژاد خاقان کرد

لاهورتی نوروزنامه را به مستشار سفارت ایران در استانبول، احمدخان ملک ساسانی،  
 تقدیم کرده که در آن به قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۹ و خائن به ایران و مهاجرت مردم اشاره  
 کرده است.



نوجوانان چمن دور ز کاشانه شدند  
مرغکان یک‌سره آواره و بی‌لانه شدند

بوستان لال شوم خانه اعدا بشود  
باغ مستملکه کشور سرما بشود

### نتیجه

در بررسی مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی در دیوان لاهوتی مشاهده کردیم که نام‌برده به‌عنوان یکی از نخبگان دوره مشروطیت در اشعارش چگونه به برجسته کردن مفاهیم مرتبط با وجه ایرانیّت در قالب ناسیونالیسم باستان‌گرا پرداخته است. لاهوتی در کسوت یکی از نخبگان آن برهه که با پدیده بحران هویت در جامعه مواجه بودند، سعی کرد با نگاه تاریخی به گذشتهٔ ایران و تأکید بر نمادهای اساطیری، اسامی قهرمانان، نژاد آریائی، ارزش‌های اخلاقی ایرانیان باستان، در کنار سایر عناصر هویت ملی همچون ارزش‌های فرهنگی ایران اسلامی، ارزش‌های دینی و ارزش‌های مدرن غربی، به هویت‌سازی مجدد اقدام کند.

در این گرایش از ناسیونالیسم ایرانی، نخبگانی همچون لاهوتی در کنار سایرین، با توجه به وضعیت نامطلوب موجود، سعی داشتند، گناه مصائب و شکست‌های واردآمده بر ملت و جامعه را به گردن غیریتی مانند اسلام و اعراب بیندازند. وی در اشعارش با زبانی ساده به گفتگو با مردم برخاسته و با استعانت از مفاهیم بومی مربوط به گذشته باستانی در کنار یکسری شاخصه‌های مربوط به مدرنیته همچون قانون، آزادی بیان، حقوق زن و شأن علم سعی در همراه کردن مردم با خود داشت و این‌گونه می‌خواستند آن‌ها را برای برپایی یک حکومت قانونی و مردمی به میدان مبارزه فراخوانند. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که در دیوان اشعار او، ارزش‌های ملی هویت ایرانی جایگاه ویژه‌ای دارند. هرچند که در آن برهه از تاریخ ایران، لایهٔ جدیدی (ارزش‌های مدرن) به هویت ملی افزوده شد، اما عنصر ایرانیّت با نمادهای سرشار خود، همچون سمبل‌های اساطیری، عظمت تاریخ باستان، اسامی قهرمانان، ارزش‌های اخلاقی ایرانیان باستان در کنار سایر عناصر هویت‌ساز در اشعار لاهوتی همچنان جایگاه ارزنده خویش را حفظ کرده است. جدول زیر نمایانگر حضور چهار عنصر اصلی هویت ملی ایرانی در آثار لاهوتی است.

| مؤلفه‌های هویت ملی    | فراوانی | درصد  |
|-----------------------|---------|-------|
| ارزش‌های ملی باستانی  | ۱۷۳     | ۰/۷۰۰ |
| ارزش‌های ایران اسلامی | ۱۱۱     | ٪۴۴   |
| ارزش‌های دینی         | ۱۸۷     | ۰/۷۵۷ |
| ارزش‌های غرب          | ۵۰۰     | ۲/۲۴  |
| جمع                   | ۹۷۱     | ۳/۹۳  |

این جدول نشان می‌دهد ۳/۹۳ درصد از دیوان لاهوتی (۲۴۶۹۶ کلمه) را مفاهیم هویت‌ساز ملی تشکیل می‌دهد. در صورتی که فراوانی ۹۷۱ را نسبت به ۳۰۸۶ بیت دیوان اشعار لاهوتی بسنجیم، مشخص می‌شود، بیش از یک‌سوم بیت‌های آن را واژگان مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی تشکیل داده‌اند. بالاترین جایگاه را در شعر لاهوتی، ارزش‌های مدرن هویت ایرانی دارند که در پوشش متغیرهایی مانند ناسیونالیسم، حقوق زنان، آزادی، مشروطیت آمده است. بعد از آن، ارزش‌های دینی در اشعار لاهوتی دارای بیشترین فراوانی است که متغیرهای آن مناسک دینی، مبانی اعتقادی و آیات و روایات هستند.

بر اساس این پژوهش، ارزش‌های ملی و باستانی در شعر لاهوتی در جایگاه سوم هستند که شاعر در این قسمت از شاخصه‌های تاریخ و تمدن، مفاهیم سرزمینی و اسامی قهرمانان بیشترین استفاده را کرده است. در نهایت، ارزش‌های فرهنگی ایران دوران اسلامی در شعر لاهوتی، جایگاه چهارم را به لحاظ میزان فراوانی دارد و متغیرهای پرکاربرد آن شامل تاریخ و تمدن، اسامی جغرافیایی و نژاد و قومیت هستند. با در نظر گرفتن حاکمیت ایده‌های ناسیونالیست باستان‌گرا و رئالیسم سوسیالیستی بر شعر لاهوتی، تأکید شاعر به اتحاد اقوام ایرانی و اهمیت حفظ وطن، اشارات شاعر به میهن‌دوستی، فراخواندن مردان و زنان به مبارزه با استبداد و استعمار در جامعه، از پیام‌های شعر لاهوتی بوده‌اند. لاهوتی به لحاظ طرح اندیشه انترناسیونالیسم پرولتاریایی در شعر فارسی، نوآوری در وزن شعر، استفاده از وزن هجایی شعر کردی، یک شاعر نوآور تلقی می‌شود و او را باید یکی از پیشگامان تحول و نوگرایی در شعر فارسی معاصر محسوب کنیم که نیما یوشیج و سایر شعرای نوپرداز پیرو سبک او بوده‌اند. اهمیت این موضوع، بیانگر تلاش لاهوتی برای حفظ یکپارچگی ایرانیان و بازسازی هویت ملی با یادآوری نمادهای باستانی و بومی است.

## منابع

## کتاب‌ها

- آجودانی، ماشاءالله (۱۳۸۱)، *یا مرگ یا تجدید*، لندن، فصل کتاب.
- آراین‌پور، یحیی (۱۳۷۲)، *از صبا تا نیما*، ج ۲، تهران، زوار.
- اشرف، احمد (۱۳۸۷)، *هویت ایرانی*، حمید احمدی، تهران، نشر نی.
- اکبری، محمدعلی (۱۳۸۴)، *تبارشناسی هویت جدید ایرانی*، تهران.
- بروجردی، مهرزاد (۱۳۸۹)، *تراث‌سیدم، پرستیدم، شکستم*، تهران، نگاه معاصر.
- بشیری، احمد (۱۳۵۸)، *دیوان اشعار لاهوتی*، تهران.
- بیات، کاوه (۱۳۷۶)، *کودتای لاهوتی*، تهران، شیرازه.
- توکلی‌طرقی، محمد (۱۳۹۷)، *تجدد بومی و بازانندیشی تاریخ*، تهران، پردیس دانش.
- خان‌ملک ساسانی، سیداحمد (۱۳۵۴)، *یادبودهای سفر استانبول*، تهران، بابک.
- خامه‌ای، انور (۱۳۷۲)، *خاطرات انور خامه‌ای*، تهران، گفتار.
- ذاکر حسین، عبدالرحیم (۱۳۷۷)، *ادبیات سیاسی ایران در مشروطیت*، تهران، علم.
- سپانلو، محمدعلی (۱۳۹۴)، *شاعران آزادی*، مشهد، بوتیمار.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۷۸)، *احزاب سیاسی و انجمن‌های سری*، ج ۲، تهران، مؤسسه سها.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۷)، *ادوار شعر فارسی*، تهران، سخن.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، *با چراغ و آینه*، تهران، سخن.
- شکیبیا، پروین (۱۳۷۳)، *شعر فارسی از آغاز تا امروز*، تهران، هیرمند.
- شیرازی، اصغر (۱۳۹۵)، *ایرانیّت، ملیت و قومیت*، تهران، مؤسسه جهان کتاب.
- طبری، احسان (۱۳۶۷)، *کژراهه*، تهران، مؤسسه امیرکبیر.
- کامبخش، عبدالصمد (۱۳۶۴)، *نظری به جنبش کارگری کمونیستی ایران*، بی‌جا.

- لاهوتی، ابوالقاسم (بی‌تا)، *شرح زندگانی من*، شرکت سهامی چاپ.
- \_\_\_\_\_ (۱۲۸۹)، *ایران‌نامه*، استانبول، چاپخانه شمس.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۳۹)، *نوروزنامه*، استانبول، مطبعه شمس.
- \_\_\_\_\_ (۱۹۷۵)، *دیوان کامل لاهوتی*، چاپ مسکو.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۳۰)، *لالی لاهوتی*، مطبعه شمس.
- لنگرودی، شمس (۱۳۸۴)، *تاریخ تحلیلی شعر نو*، تهران، مرکز.
- مسکوب، شاهرخ (۱۳۷۳)، *ملیت ایرانی و زبان فارسی*، تهران، باغ آینه.

#### مقاله‌ها

- بهاروند، هوشنگ، «فراشعر دیوان لاهوتی»، *رشد زبان*، ۱۳۹۵، ش ۳.
- بیگدلو، رضا، «برساخت هویت ملی بر مبنای نژاد در دوران جنگ جهانی اول»، *پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، ۱۳۹۸، ش ۲۴.
- \_\_\_\_\_، «تحلیل برسازی هویت ملی ایرانی بر مبنای نژاد»، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ۱۳۹۶، ش ۱۴.
- چالیسوا، ناتالیا؛ لاهوتی، لیلا، «شاعر و حاکم»، *مصطفی حسینی، مجله بخارا*، ۱۳۹۹، ش ۱۳۷.
- حاتمی، سعید، «زن در شعر ابوالقاسم لاهوتی، ایرج‌میرزا و عارف قزوینی»، *فصلنامه زن و فرهنگ*، ۱۳۹۱، ش ۱۲.
- حسینی، آرمان، «بازتاب مفاهیم سیاسی اجتماعی در اشعار لاهوتی»، *فصلنامه پژوهش‌های ادبی*، ۱۳۹۳، ش ۳.
- رزاق‌پور، مرتضی، «رنالیسم در اشعار لاهوتی»، *پژوهش‌های نقد ادبی*، ۱۳۹۲، ش ۴.
- سامانی، کبری، «زیبایی‌شناختی نوستالژی در اشعار لاهوتی»، *زیبایی‌شناسی ادبی*، ۱۳۹۶، ش ۳۲.
- سلیمانی، علی، «نقد بلاغی شعر مشروطه با تأکید بر عشقی و لاهوتی»، ۱۳۹۸، ش ۱۶.

- صدری‌نیا، باقر، «مفهوم ملیت در شعر لاهوتی»، *ایران‌شناخت*، ۱۳۷۵، ش ۲.
- عرفانیان، مسعود، «نوشته‌هایی از پژوهشگران تاجیکی»، *جهان‌شناخت*، ۱۳۹۱، ش ۲۸۵.
- علم، محمدرضا، «مؤلفه‌های هویت ملی در دیوان عشقی»، *فصلنامه مطالعات فرهنگی*، ۱۳۹۱، ش ۱۴.
- یونسی، زینب، «حکایت ترجمه شاهنامه فردوسی به روسی از سیسیلیا لاهوتی»، *بخارا*، ۱۳۹۹، ش ۱۳۶.
- لاهوتی، ابوالقاسم، «درباره خودم»، ترجمه کاوه بیات، *جهان‌کتاب*، بی‌تا، ش ۱۰۲.
- نشریه پارس، ۱۳۳۹، شماره‌های ۲، ۴، ۵.

#### سایت

- پورخامنه، آیدین، ۹۸/۰۲/۱۹؛ شب ابوالقاسم لاهوتی،  
[bukharamag.com/1397.08.23995.html](http://bukharamag.com/1397.08.23995.html)
- آدینه، اسفندیار، ۹۸/۰۴/۲۵؛ سالگرد تولد لاهوتی، راهگشای شعر پارسی تاجیکستان  
<https://bbc.com/Persian/world>